

# جمهوری اسلامی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

## محمود فاضلی

کتاب «جمهوری اسلامی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» نوشته «سید صادق حقیقت» است که از سوی انتشارات «کویر» در 288 صفحه به چاپ رسیده است. کتاب ویراست جدید از مقالات نگارنده در موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و برخی از مسائل روابط بین‌الملل با رویکرد دینی است. بحث نخست این کتاب، یعنی نسبت انقلاب اسلامی ایران و تجدد، از این جهت مهم است که می‌تواند در این زمان نیز چگونگی تقابل ج.ا.ا. و تجدد غربی را توجیه کند. انقلاب اسلامی ایران در تقابل با مدرنیته شکل گرفت و بنابراین نمی‌توانست ماهیتی تماما متجددانه داشته باشد. این امر باعث شد امر بر میشل فوکو که شاهد این انقلاب بود مشتبه شود و آن را انقلابی پسامدرن بنامد. این درست است که شاه رویکردی متجددانه داشت و علی‌القاعده انقلابی که علیه او به پیروزی رسید، باید با این جهت‌گیری مخالف باشد.

از سویی دیگر، کسی که با شخصیت امام خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب و همچنین با نظریه ولایت فقیه و شعارهای آن دوران آشنایی داشته باشد، به‌خوبی آگاه است که معمار انقلاب، سودای حکومتی همانند حکومت نبوی و علوی و در انداختن طرحی نو در سر داشت. از سویی، بسیاری از شعارهای انقلاب و نیروهای انقلابی رویکردی اثباتی نسبت به مدرنیته داشتند. حتی شعارهای رهبر انقلاب، اینگونه بود. اگر این سوگیری‌ها درست باشد، باید دید که یک پدیده چگونه می‌تواند از جهتی مدرن، پیشامدرن و حتی پسامدرن تلقی شود.

فصل اول کتاب با عنوان «انقلاب اسلامی» و تجدد، ترکیب و ویرایشی جدید از سه مقاله است: در مقاله نخست انقلاب اسلامی با رویکرد گفتمانی تحلیل و در مقاله دوم ماهیت انقلاب اسلامی با تجدد و پسا تجدد نسبت‌سنجی شده است. مقاله سوم، «انقلاب اسلامی ایران: تردید بین سنت و تجدد، نشان می‌دهد که انقلاب ایران پسامدرن تلقی نمی‌شد بلکه ویژگی‌هایی از سنت و تجدد را داشت و در واقع بین آن دو مردد بود.

بخش دوم به تبیین نظریه رهبری در خصوص انقلاب اسلامی اختصاص دارد.

مفروض این نظریه آن است که پدیده‌های اجتماعی، بالاخص انقلاب‌ها، چند عاملی هستند. به نظر می‌رسد این نظریه بهتر از نظریه توطئه، نظریه اقتصاد، نظریه مدرنیزاسیون، نظریه استبداد و حتی نظریه مذهب بتواند رویداد مهم انقلاب اسلامی را توضیح دهد. برای این اساس، در گام نخست باید عوامل زمینه‌ساز را از عوامل پیروزی انقلاب جدا کرد. در بعد اول، مدرنیزاسیون و ناهمساز بودن توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی و در بعد دوم رهبری مذهبی بیشترین تاثیر را داشته‌اند. این نظریه درصدد توضیح این ناسازه است که حکومت شاهنشاهی و همین‌طور بدنه جامعه که روز به روز با مظاهر تجدد آشنا می‌شدند، چگونه با انقلابی مذهبی که با پدیده‌های مدرن سرسازگاری نداشت، روبرو شد. فصل سوم با عنوان «قیام عاشورایی و راهبرد انقلاب اسلامی» در مجموعه مقالات کنگره عاشورا به چاپ رسید. فصل چهارم و پنجم با عنوان «سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی» و «نقد سیاست خارجی ج.ا.ا» را به بحث می‌گذارد. در متن اول اصول سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی تبیین می‌شود تا مبنایی برای بخش بعد در بررسی و نقد سیاست خارجی ج.ا.ا قرار گیرد. متن دوم هم سعی می‌کند به برخی چالش‌های سیاست خارجی ایران در طول زمان بپردازد. فصل ششم با عنوان «راهبرد وحدت اسلامی» متکفل نسبت‌سنجی مبانی نظری راهبرد ایران در مساله تقریب است، مساله‌ای که به شکل خاص در ارتباط با کشورهای عربی و اسلامی از اهمیتی خاص برخوردار است. یکی از مسائل مهم دیگری که نقش کشور اسلامی را در روابط بین‌الملل مشخص می‌کند، موضوع نظری و عملی دولت اسلامی نسبت به مساله جهاد ابتدایی است. به همین دلیل است که برخی مستشرقان از مفهوم «جهاد ابتدایی» جنگ دایمی کشور اسلامی با دیگر کشورها را برداشت کرده‌اند. به باور نویسنده هرچند به نظر می‌رسد از دیدگاه اسلام، ایده جهان وطنی بیش از ناسیونالیسم (اسلامی) قابل قبول باشد، ولی این ایده که گاه به «جهان‌گرایی» تعبیر می‌شود با ایده «جهانی شدن» تفاوت کلی دارد. در این راستا، فصل نهم با عنوان «جهانی شدن غربی و جهادگرایی اسلامی» عهده‌دار تبیین این تفاوت است.

فصل بعد مساله مسوولیت‌های فراملی را به پروسه جهانی شدن پیوند می‌دهد. ایده اصلی این کتاب آن بود که مرز منافع ملی و مسوولیت‌های فراملی از دیدگاه اندیشه سیاسی اسلامی را روشن می‌کند. معیار سیاست خارجی دولت‌های سکولار حفظ و ارتقای منافع ملی است. برعکس، به نظر می‌رسد دولت‌های ایدئولوژیک اهدافی فراتر از منافع ملی داشته باشند. مسوولیت‌های فراملی دولت اسلامی، عبارت است از مجموعه اقداماتی که آن دولت خود را مکلف به انجام آنها در خارج از مرزها می‌داند. دولت اسلامی از آن جهت که اسلامی و ایدئولوژیک است، درصدد

انجام مسووليتهاي فراملي است. فصل يازدهم كتاب به موضوع «گفتوگوي تمدنها و برخورد تمدنها» اختصاص دارد. ايده گفتوگوي تمدنها که توسط دکتر محمد خاتمي رياستجمهوري وقت ارايه شد، از سوي مجمع عمومي سازمان ملل مورد استقبال واقع شد. اولين سال هزاره سوم «سال گفتوگوي تمدنها» نام گرفت. هرچند اين ايده در مقابل نظريه برخورد تمدنهاي هانتينگتون توفيقاتي به دست آورد، اما واقعيت از امري ديگر حکايت ميکرد. فصل آخر مبثي در خصوص صلح جهاني است. اين مقاله درصدد است مساله صلح جهاني از ديدگاه اسلامي را با مبناي کانتی مقايسه کند. مساله صلح جهاني ميتواند به خوبي جاگاه دولت اسلامي را در روابط بينالملل مشخص کند.

منبع: روزنامه اعتماد 25 فروردين 1401 خورشیدی